



مفلس های میلیوئر!

گزارش شهرآرا از چرایی نمایش فقر در جامعه
که زمینه ساز سوءاستفاده از نیت خیر نیکوکاران می شود

گزارش
روز



فاطمه آراغ

در یکی از خیابان های شهر راه می روی که یک نفر که شاید ظاهرش باقیه آدم های این شهر خیلی فرقی نمی کند، آهسته می گوید: «تورو خدا کمکم کن؛ پول ندارم غذا بخرم»، کمی آن سوتر، دیگری را می بینی که برای تهیه دارویی که مدعی است توان خریدش را ندارد، طلب پول می کند. سر چهارراه، پشت چراغ قرمز، غیر از آن پیرمردی که دود اسپندش، هوا را غبارآلود کرده است و آن پسر بچه ای که شیشه پاک کن به دست با شیشه جلوی یکی از خودروها کلتچار می رود، خانمی را هم می بینی که دستش را به سوی خودروهایی که شیشه شان پایین است، دراز کرده است تا شاید کمکی نصیبش شود. گوشی موبایل ترا برمی داری و می خوانی: «یک متکدی مسن با حدود ۱۶ میلیون تومان وجه نقد در محدوده حرم مطهر رضوی دستگیر شد»؛ خبری که احتمالا مشابهنش را پیش تر هم شنیده باشی، آن هم نه فقط از مشهد، بلکه از گوشه و کنار کشور.

در مناسبت های مذهبی از سایر استان ها و شهر ها به مشهد می آیند و مقصدشان اطراف حرم امام هشتم^(ع) است.

نمایش فقر

البته همه متکدیان آن هایی نیستند که در خیابان ها و سر چهارراه ها می بینیم؛ دسته دیگرشان آن هایی هستند که فقر را در خانه خود به نمایش می گذارند تا ترحم بخرند. بگذارید واضح تر بگویم؛ مقصود از این دسته، همان نیازمندانی هستند که بیشترشان زیر چتر حمایتی مؤسسات خیریه و دستگاه های حمایتی قرار گرفته اند و از هر نوع کمک خیراندیشان استقبال می کنند؛ آن هایی که برخی شان به دریافت صدقه عادت کرده اند اما وقت کار کردن که می رسد، از پذیرش پیشنهاد کار همین دستگاه ها و مؤسسات خیریه شانه خالی می کنند، چرا؟ چون به نوعی راحت طلب شده اند. وقتی صدقه می رسد، کار چرا؟ با این حال برای اینکه از سایه این چتر حمایتی محروم نشوند، همواره اظهار فقر می کنند و آن را به نمایش می گذارند تا حمایت ها و کمک ها قطع نشود. اگرچه دستگاه های حمایتی و نیز مؤسسات خیریه می گویند که اگر فرد تحت پوشش از پذیرش کار خودداری کند، از چرخه حمایتی خارج می شود و تعداد این افراد هم زیاد نیست و ما هم نمی خواهیم بدبینانه به ماجرا نگاه کنیم، اما هستند چنین افرادی حتی اگر اندک.

محمد رضانیان، پژوهشگر مشهدی که درباره چرایی نمایش فقر و کارگریز برخی مددجویان تحت حمایت مؤسسات خیریه، تحقیق کرده و از سال ۱۳۸۰ عضو هیئت مدیره یکی از خیریه های مشهد بوده است، پیش تر در باره مشاهدات عینی خود به شهرآرا گفته بود؛ مددجویایی داشتیم که از شدت احتیاج، نان شان را از نانوائی قرض می گرفتند اما وقتی شغلی معرفی می کردیم، نمی پذیرفتند. یکی و دو تا هم نبودند. مشکل، یک خیریه و دو تا نیست. به اوقاف کمیته امداد و خیلی از خیریه ها سر زده ام. همه با این مسئله مواجهند؛ با گروهی کارگریز. عاملی فرهنگی می تواند منشأ کارگریز باشد؛ یک دلیل، فراوانی خیریه ها و بی برنامه ای آن هاست. دلیل دیگر می تواند افسردگی مددجویان باشد که انگیزه کار در آن ها را از بین برده است. مددجویی که میل به کار ندارد، بی استعداد نیست. هنر این است که علت بی میلی اش پیدا و درمان شود.

محروم نمایی

هستند آدم هایی که در واقع نیازمند نیستند اما با «محروم نمایی» سبب می شوند دل رحیم شهروندان به حالشان بسوزد و کمکشان کنند. به گفته مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، سال گذشته بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ متکدی در این شهر شناسایی شدند که ۷۵ درصدشان مرد، ۱۹ درصدشان زن و ۶ درصدشان هم کودکان با سن کمتر از ۱۸ سال بوده اند.

او به تازگی آمار امسال را هم این طور اعلام کرده است: از ابتدای سال جاری، هزار و ۷۰۰ متکدی از معابر و چهارراه های سطح این کلان شهر جمع آوری و به مرکز رسیدگی به آسیب دیدگان اجتماعی منتقل شده اند. هزار و ۲۵۵ نفر از این تعداد مرد و مابقی زن هستند. بیش از سی چهارراه در مشهد شناسایی شده است که حضور متکدیان در قالب گل فروش، اسپنددوکن و... در آن ها، بیشتر از سایر معابر است. در این چهارراه ها مردم بیشتر از سایر معابر به متکدیان کمک می کنند و رابطه کمک مردم و حضور بیشتر متکدیان، معنادار است. در بین متکدیان، مرد زن نما، مرد معلول نما و زنان با عروسک به جای نوزاد دیده می شود که با این شگرد ها از احساسات نوع دوستی مردم و زائران سوءاستفاده می کنند.

ابراهیمی مهم ترین معضل متکدیان مشهد را اعتیاد و طرد شدن از خانواده دانسته و تأکید کرده است که در مرحله سامان دهی، با وجود تمایل دستگاه ها و نهاد های حمایتی، امکان خدمات رسانی اجتماعی بسیار سخت است. متکدیان علاقه ای به شغل و کار ندارند و درآمد تکدیگری و زباله گردی را بیشتر از کارگری می دانند.

به گفته ابراهیمی، طبق مصوبه شورای عالی اداری مصوب سال ۱۳۷۸، وظیفه شناسایی، جمع آوری و انتقال متکدیان به مرکز رسیدگی به آسیب دیدگان اجتماعی و تأمین و تجهیز مرکز به عهده شهرداری ها و سامان دهی به عهده سازمان های اجتماعی است، اما برای کاهش تکدیگری، به کمک و مشارکت مردم و زائران نیاز است و در غیر این صورت، چرخه باطل جمع آوری و حضور مجدد آنان برای تکدیگری ادامه خواهد داشت.

نکته جالب توجه و البته تأسف آور در گفته های معاون سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد این است که متکدیان

یک جای کار می لنگد

تکدیگری در جامعه ما، هم آسیب اجتماعی است و هم جرم. تردیدی نیست که نیت هر شهروند از کمک به نیازمندان، خیر است و این کارش هم از روی خیرخواهی، اما این خیرخواهی وقتی بجا نباشد، آسیب می آفریند. انتشار اخبار اهدای بسته های معیشتی و کمک هزینه های تحصیل و ازدواج تمامی ندارد؛ یعنی نیازهای این حوزه هم قرار نیست به صفر برسد پاکم شود؛ اگرچه آمار دقیق و جامعی از خیریه های شهر وجود ندارد، همه می دانیم که تعداد این خیریه ها کم نیست و از سوی دیگر، خیران هم همیشه پای کار بوده اند، با این حال یک جای کار می لنگد که با وجود فعالیت خیران در زمینه های مختلف، هنوز در شهر فقیر داریم؛ چه آن ها که سر چهارراه ها و در خیابان ها کمک طلب می کنند، چه آن ها که با نمایش فقر نمی خواهند چتر حمایت ها از سرشان برداشته شود.

هرزه نگاری فقر

این ماجرا البته جنبه دیگری هم دارد که همان چگونگی نمایش فقر است. فصلنامه ترجمان علوم انسانی در یکی از شماره های خود، به انتشار ترجمه مقاله ای از هافینگتون پست در همین باره پرداخته و با انتقاد از شیوه نمایش فقر در رسانه ها نوشته است: فقر هم از مشکلات فردی ناشی می شود و هم از مشکلات نظام مند؛ یعنی هم شرایط شخصی و هم نظام های اجتماعی و قضایی که همگی از دو حالت خارج نیستند: یا فقرا را توانمند می سازند یا شرایطشان را تداوم می بخشند. اما هرزه نگاری فقر، مقوله فقر را صرفا به مثابه رنج مشاهده پذیر و ناشی از نبود منابع مادی تعریف می کند. هرزه نگاری فقر به صدقه می انجامد نه کشمگری؛ مردم صدقه دهند می شوند، نه مدافع حقوق. هرزه نگاری فقر نه می تواند درکی عمیق تر از معضل فقر ایجاد کند نه تغییرات ساختاری لازمی را به وجود آورد که برای کار اساسی درباره این معضل باید صورت بپذیرد. هرزه نگاری فقر می گوید هم معضل و هم راه چاره در منابع مادی ریشه دارند و مسئله فقر را می توان با یک تماس تلفنی ساده یا صدقه ماهانه حل کرد. اما واقعیت این است که رسیدگی درست به فقر، مستلزم توانمندسازی فقرا به شکلی است که بتوانند اجتماعات خود را متحول سازند.

جای خالی پیوست فرهنگی کار خیر

البته این نکته را هم بگوییم که اینجا، مسئله مدنظر فارغ از مسائل اقتصادی است که براساس آمار رسمی، سبب کاهش سطح رفاه اجتماعی شده است. ما صرفا از چرایی رفتار آن هایی می گویم که می توانند فقیر نباشند یا دست کم امکان فراهم کردن زمینه کار عمومی و فعالیت اقتصادی برایشان فراهم است تا خودشان هم کمک حال خود و خانواده شان باشند اما به هر دلیلی زیر بار آن نمی روند؛ دلایلی که البته گاهی شکل «بهانه» به خود می گیرد. به ادعای خود خیران، برای

یادداشت

نادارهایی که «ناچار» نیستند

وقتی مشکلات معیشتی و محدودیت های اقتصادی در جامعه افزایش پیدا کند، مسائلی در حوزه های اجتماعی و فرهنگی ظاهر می شود که به چهره خندان، زیبا و سالم جامعه خدشه وارد می سازد. «فقر» پدیده ای تلخ و نامطلوب است و بنا به قول مشهوری «از دری که فقر وارد شود، از در دیگر ایمان بیرون می رود». زمانی که رفاه عمومی کاهش و فقر گسترش یابد، از دل این پدیده ها رفتارهای تلخ تر و نامناسب تری متولد می شود که گاه در جوامع مشاهده می شود. یکی از این رفتارها تکدیگری، اظهار به نداری در فضای عمومی و مطالبه پول و کمک از مردم بدون انجام کار یا خدمت رسانی خاص است؛ البته این همه ماجرا نیست. هرچند «تکدیگری» امری ناپسند و نادرست است، در مواقعی که واقعا از سر ناچاری و نبود ظرفیت و زمینه ای برای کسب درآمد از راه های متعارف و حلال باشد، به گونه ای می توان آن را توجیه کرد. مشکل اساسی وقتی است که عده ای سودجو با فریب مردم، خود را نادار و ناچار نشان می دهند و به اصطلاح می خواهند از ساده ترین راه، بخشی از دسترنج دیگران را از آن خود کنند و متأسفانه چه بسیار متکدبانی که درآمد های میلیونی از این راه به دست آورده اند. روی دیگر این پدیده، افرادی هستند که «نادار» هستند اما «ناچار» نیستند. این دسته، افرادی اند که هرچند توانایی دارند و ظرفیت هایی برای آن ها وجود دارد، شانه زیر بار کار نمی دهند و از اظهار فقر در جامعه ابایی ندارند. باور کنید برخی متکدیان و مددجویان تحت حمایت مؤسسه های خیریه و مؤسسات حمایتی، حاضر هستند مستمری و بسته معیشتی دریافت کنند اما زیر بار کارهای پیشنهادی برای درآمدزایی نروند که این نشان از ناچاری نیست و پیامی دیگر دارد که از آن به عنوان منفعت طلبی، تنبلی و سودجویی بدون انجام کار و بدون خدمت رسانی یاد می شود. تکدی را می توان «دست درازی کردن برای کسب درآمد» تعریف کرد. بدیهی است که تکدیگری نه تنها یک جرم و آسیب اجتماعی مخرب است، بلکه منجر به ناهنجاری های اجتماعی دیگر نیز می شود و در مجموع می توان گفت گدایی، محصول نابسامانی های اجتماعی و فرهنگی در جامعه است. تکدیگری صورتی از زندگی ارزان قیمت است که تنها بهای آن «فقر منابع طبع» و «سیر فقربایی کمال انسان» است. این پدیده ناپسند اجتماعی سبب می شود فردی را که به راستی نیاز به کمک و حمایت مردم برای اداره زندگی خویش دارد، نتوان از افراد سودجو تفکیک کرد. باید مجموعه های خیریه، مؤسسات حمایتی و دست اندرکاران فرهنگی و اجتماعی، سازوکارهایی طراحی کنند که در مرحله اول، محرومان و افراد دارای شرایط دریافت حمایت و کمک، به صورت دقیق و فراگیر شناسایی شوند. دوم فرهنگ سازی عمومی برای کمک به محرومان در قالب قانونی و رسمی از طریق مراجع ذی صلاح توسعه یابد و سوم بساط تکدیگر و افراد سودجو که با اظهار به نداری و سوءاستفاده از احساسات مردم برای خودکسب و کار نامناسبی ایجاد کرده اند، جمع شود.



دکتر مهدی یاراحمدی خراسانی

گفت وگو

هم کمک، هم مشاوره برای توانمندسازی

ژهرا مرادوند، یک جامعه شناس درباره چرایی تمایل به دریافت مستمر کمک های خیریه ای توسط برخی مددجویان، با بیان اینکه تعداد این افراد زیاد نیست، اظهار می کند؛ برای بررسی دلیل نپذیرفتن پیشنهاد اشتغال از سوی مددجو یا نیازمند، باید همه عوامل بررسی شود؛ از جمله شرایط زندگی و معیشتی و نیز نوع کار پیشنهادی به وی؛ زیرا برای مثال اگر کار در یک کارخانه با دوازده ساعت کار و حداقل حقوق قانون کار به یک زن سرپرست خانواده کم سود پیشنهاد شود که دارای فرزندان کوچک نیز هست، طبیعی است که تمایل وی برای قبول چنین شرایط کاری ای بسیار کم باشد یا حتی استکفاف ورزد.

دکتر احمد رضا اصغریور با بیان اینکه اظهار فقر یا نمایش نیازمندی برخی افراد را نباید به تمام نیازمندان جامعه تعمیم داد، یادآوری می کند؛ نمی توان کتمان کرد همواره افرادی هستند که به دریافت پول و کمک بدون زحمت، عادت کرده اند.



او ادامه می دهد: البته برای شناسایی نیازمندان واقعی و شناخت افراد سودجو در این وادی نیز مؤسسات خیریه باید با انجام تحقیقات میدانی و پرس و جو از افراد موفق، جامعه هدف خود را به درستی شناسایی کنند و به آن ها خدمات بدهند؛ البته هر نوع کمک و تقدیم بسته حمایتی به نیازمندان، نباید صرفا مادی باشد، بلکه باید در کنار آن مشاوره های مورد نیاز به آن فرد یا خانواده اش داده شود؛ چرا که در این صورت، امکان سوءاستفاده بسیار کاهش خواهد یافت. اصغریور تأکید می کند؛ این کار را خیریه های مردمی بهتر و دقیق تر می توانند انجام دهند؛ زیرا سازمان های دولتی بزرگ، فرصت و حوصله کافی با نیروی موفق برای چنین تحقیقات میدانی را ندارند. او بیان می کند؛ کمک به فرد و خانواده نیازمند، باید همه جانبه باشد؛ به این صورت که علاوه بر مباحث اقتصادی، بخش فرهنگی، اجتماعی، تفریحی و... نیز دیده شود تا فرد به طور کامل بتواند موقعیت و جایگاه اجتماعی خود و خانواده اش را تغییر و ارتقا دهد و در راستای رسیدن به حد مطلوب و مورد توجه جامعه کام بردارد.

گفت وگو

اظهار فقر مددجویان اندک است

ژهرا مرادوند، مدیرکل کمیته امداد امام خمینی^(ع) خراسان رضوی، جمعیت مددجویان این مجموعه در خراسان رضوی را حدود ۷ درصد جمعیت استان اعلام می کند و درباره نمایش فقر میان این افراد می گوید؛ ممکن است در این بین، افرادی تمایل به فقیرنمایی و کار نکردن هم داشته باشند، اما خیلی زیاد نیستند و انگشت شمارند.



به اعتقاد رضا سلم آبادی، درست نیست که بگوییم تعداد زیادی از این جامعه آماری، خود را وابسته به کمک خیریه ها و بسته های معیشتی کرده اند و اظهار فقر مداوم می کنند؛ اگرچه نمونه های خاصی از آن ها وجود دارد، بنابراین اول باید جامعه هدف سرشماری شود تا مشخص شود چه میزان از این جامعه، مستعد کار و خودکفایی هستند.

او ادامه می دهد؛ اگر از ۳۶ هزار مددجوی زیرپوشش کمیته امداد استان، تعداد فرزندان، سالمندان، محصلان، طلاب، دانشجویان و زنان سرپرست خانواری که باید برای تربیت فرزند در منزل باشند، را کم کنیم، تعداد زیادی باقی نمی ماند. اگرچه بحث توانمندسازی و اشتغال این قشر به طور جدی هر ساله دنبال می شود که در این راستا پس از کسب مهارت، وام و تسهیلات به آن ها اعطا می شود و تا هجده ماه نیز حمایت می شوند تا به حداقل دریافتی قانون کار برسند و خودکفا شوند. در این مرحله، پرونده مددجو حذف و از گردونه حمایت ما خارج خواهد شد.

سلم آبادی تأکید می کند؛ برخی خانواده ها که تعدادشان هم زیاد نیست، ممکن است از دریافت وام اشتغال خودداری کنند که طبق قانون، چنانچه کمیته امداد خانواده ای را مستعد اشتغال دید اما خانواده از دریافت وام و اشتغال خودداری کرد، پس از چندبار تذکر، از چرخه حمایتی خارج می شود. او با بیان اینکه سال گذشته ۳۷ هزار مددجو در استان به دلایل مختلفی از گردونه حمایتی کمیته امداد خارج شدند، می گوید؛ برخی به دلیل اشتغال زایی، برخی به دلیل صحت بعد از بیماری و بازگشت به کار، برخی نیز به دلیل پایان زمان دریافت خدمات، از گردونه خارج شده اند. ۱۵ هزار و ۱۰۰ نفر از ۳۷ هزار مددجو یعنی حدود ۴۰ درصد آن ها، افرادی بودند که در حوزه اشتغال توانمند شدند.